



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ۹، ش ۴ (پیاپی ۴۶)، مهر و آبان ۱۳۹۷، صص ۳۳-۵۹

تحلیل نشانه‌شناختی الگوی تنش در داستان بعثت موسی^(ع) در سورة طه

روح‌اله نصیری^{۱*}، مهناز امیری^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

پذیرش: ۹۷/۲/۲۴

دریافت: ۹۶/۱۱/۱

چکیده

میدان عملیات گفتمان، شاکله گفتمانی داستان را در قالب گسست- پیوست بازنمایی می‌کند. یکی از شاخصه‌های گفته‌پردازی ضمائر شخصی و شناسه‌های مکانی و زمانی، یعنی تکواژه‌های دستوری هستند (من- اینجا- اکنون) (او- آن‌ها- آنجا - غیر اکنون) که در گفتمان داستانی بعثت موسی^(ع) به شکل‌های مختلف به کار رفته‌اند و مدام در حال تغییر هستند. تغییرات تکواژه‌های دستوری در گفته‌پردازی موجب پیوست و گسست گفتمانی در ماجرای بعثت موسی^(ع) شده است که تولید و دریافت معنا را به دنبال دارد. انفصال گفتمانی با گسترش عوامل فرازمانی و فرامکانی سبب بسط، کثرت و تعدد در سخن می‌شود و راه را بر گشایش معناهای غیرمنتظره در این گفتمان داستانی می‌گشاید. بر این مبنا، دنیای جدیدی از کنشگران و زمان‌ها و مکان‌های نامحدود باز می‌شود که خود موجب بسط و ایجاد معانی مختلف می‌شود. این پژوهش در صدد است ویژگی‌های گفته‌پردازی آیات بعثت حضرت موسی^(ع) در سورة طه را با رویکرد نشانه‌شناختی تنشی مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. پس از تحلیل نشانه‌شناختی تنشی گفتمان در آیات سورة طه مشخص شد که رابطه تنشی بین کنشگر اصلی یعنی خداوند و موسی^(ع) بر اساس رابطه گسست و پیوست، نوسانی از معانی را برای وی به دنبال دارد که در این مقاله به تفصیل درباره آن بحث شده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل نشانه‌شناختی، الگوی تنشی، فرایند گفتمان، سورة طه.

۱. مقدمه

هر متنی که برای مخاطب، سازنده معنا و مفهوم باشد از نشانه‌هایی تشکیل شده است. نشانه‌شناسی مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در فرایند دلالت و تولید معنا شرکت دارند. اساسی‌ترین گام در مطالعات نشانه‌شناختی، انتخاب روشی متناسب با موضوع پژوهش از میان روش‌های گوناگون حوزه نشانه‌شناسی است؛ زیرا نشانه‌شناسی در رویکردهای خود آن چنان متنوع است که نمی‌توان آن را رشته‌ای واحد تلقی کرد.

ساختار تنشی گفتمان بر مبنای تعامل دو گونه عاطفی (فشاره‌ای) و شناختی (گستره‌ای) که ابزاری قابل سنجش هستند، زمینه تحلیل فرایندهای گفتمانی ازجمله گفتمان‌های قرآنی را فراهم می‌سازد و سبب تولید معنا می‌شود. فرایند تنشی روشن می‌کند چگونه متن در نظام گسست قرار می‌گیرد و چگونه انفصال گفتمانی راه را بر گشایش و تکثیر معناهای غیرمنتظره می‌گشاید. در این مقاله با استفاده از روش نشانه‌شناختی تنشی ماجرای بعثت حضرت موسی^(ع) برای بررسی و تحلیل انتخاب شده است؛ زیرا این سوره با گفتمانی زنده مواجهه است که رابطه‌ای گستره‌ای و فشاره‌ای بر آن حاکم است. در همین راستا به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم ۱. چگونه فرایند تنشی در گفتمان داستانی بعثت حضرت موسی^(ع) با گسست و پیوست در گفتمان، بار معنایی را تضمین می‌کند؟ ۲. چگونه این داستان گفتمانی بر اساس الگوی تنشی در فضای گفته‌پردازی عمل کرده است و فرایند داستانی گفتمان را شکل داده است؟ از آنجا که در آیات ۹ تا ۲۴ سوره طه یکی از عوامل معنا ساز گسست و پیوست گفتمانی، بر اساس شناسه‌ها و تغییر ضمائر است، فرض ما این است که معنا بیشتر از طریق تغییر ضمائر و همچنین در قالب فرایند گسست و پیوست حاصل شده باشد.

هدف این مقاله بررسی داستان بعثت موسی^(ع) از نظر سازوکار تولید و دریافت معنا با تکیه بر فضای گفته‌پردازی گسست و پیوست گفتمانی است. در فرایند تنشی معنای هدفمند نتیجه جریانی پیوسته و جهت‌دار است که بین شاخصه‌های مؤلفه‌ای مکانی-زمانی و ضمائر ایجاد می‌شود. شاخصه‌هایی که در چنین متن سیالی، دامنه حضور نزدیک‌ترین تا دورترین نقطه فضای تنشی را در بر می‌گیرد و حضور معناداری تحقق می‌یابد.

۲. پیشینه تحقیق

در باره موضوع نشانه و نشانه‌شناسی نوشتارهای متعددی وجود دارد که ذکر نام همه آنها در این مجال نمی‌گنجد. از این رو، در ادامه مهم‌ترین آثاری که در حیطه نشانه‌شناسی تنشی نوشته شده است معرفی می‌شود. در زمینه نشانه‌شناسی تنشی می‌توان تألیفات شعیری را پیشنهاد دانست. وی در کتاب *تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان* (۱۳۹۲) به بررسی عملیات گفتمانی پرداخته است و در کتاب *نشانه معناشناسی ادبیات*، (۱۳۹۵) ویژگی چهار نظام گفتمانی را شرح داده است.

مقالاتی نیز در این باره وجود دارد که در ادامه تعدادی از آنها ذکر می‌شود:

۱. در مقاله‌ای با نام «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کف»، اثر فریده داودی و همکاران، ۱۳۹۶، *پژوهش‌های زبان شناختی قرآن*، شماره اول (پیاپی ۱۱)، صص ۱-۱۶، پادگفتمان‌ها در سوره کف مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

۲. علی عباسی و علی کریم فیروزجانی در مقاله‌ای با نام «کارکرد روایی فرا راوی در داستان حضرت آدم»، ۱۳۹۱، *مطالعات قرآن و حدیث*، شماره اول (پیاپی ۱۱)، صص ۱۰۹-۱۸۰ با استفاده از روش روایت‌شناسی سطوح مختلف داستان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۳. احمد پاکتچی و همکاران در مقاله «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی»، ۱۳۹۴، *جستارهای زبانی*، دوره ۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۵)، صص ۳۹-۶۸ سوره قارعه را بر اساس الگوی تنشی مورد تحلیل قرار داده‌اند.

۴. سید حسن سعادات مصطفوی و همکاران در مقاله «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی»، ۱۳۹۲، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره ۲، صص ۲۴-۴۲، آیات ناظر به کرامت را بر اساس الگوی پساگرماسی مورد بررسی قرار داده‌اند.

۵. فاطمه اکبرزاده و مرضیه محصص در مقاله «نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی^(ع)»، ۱۳۹۶، *جستارهای زبانی*، دوره ۸، شماره ۵ (پیاپی ۴۰)، شیوه تبلیغی موسی^(ع) با فرعون را بر اساس نظام تنشی در سوره شعراء بررسی کرده‌اند. «از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی» اثر حمیدرضا شعیری، ۱۳۸۸، ادبیات و زبان‌ها، شماره ۸، صص ۳۳-۵۲.

۶. مقاله «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معناشناختی»، ۱۳۸۶، مجموعه-

مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۱۹، صص ۱۰۶ - ۱۱۹.

۷. مقاله «فرا ارزش و رابطه آن با تنش و معنا در «ندای آغاز» سهراب سپهری» از حمیدرضا شعیری، ۱۳۷۹، شماره ۹۱، صص ۴۴۹ - ۴۶۰.

۸. مقاله «از برهم کنشی تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا» اثر حمید رضا شعیری و ابراهیم کنعانی، ۱۳۹۴، *جستارهای زبانی*، شماره ۲۳، صص ۱۷۳ - ۱۹۶.

۹. مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم *اوستا*» از مرضیه اطهاری‌نیک و سهراب احمدی، ۱۳۹۶، *جستارهای زبانی*، دوره ۸، شماره ۵ (پیاپی ۴۰)، صص ۱۵۹ - ۱۷۹.

مقالات ذکر شده در صدد هستند متون ادب فارسی را بر اساس فرایندهای گفتمانی مورد تحلیل نشانه‌شناختی قرار دهند. مقالات مذکور از لحاظ متن مورد بررسی با مقاله حاضر متفاوت هستند؛ اما زمینه‌ای برای نگارش این مقاله و مرجع مفید در این راستا محسوب می‌شوند.

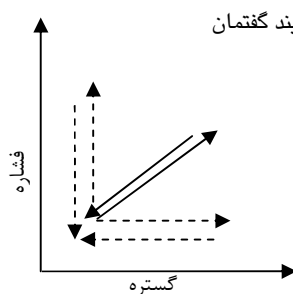
با توجه به توضیحات داده‌شده و با درنظر گرفتن موضوع مورد بررسی در این مقاله، تمایز مقاله حاضر و نوشتارهای پیشین مشخص شد. مقاله حاضر در ادامه پژوهش‌های پیشین به بررسی معناهای سیال در نظام تنشی گفتمان بعثت موسی^(ع) در سوره طه می‌پردازد.

۳. فرایند تنشی گفتمان

یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های فرایند هوشمند در حوزه گفتمان، طرح‌واره «فرایند تنشی»^۱ است. بر اساس این طرح‌واره، بین عناصر نشانه معنایی رابطه‌ای به‌وجود می‌آید که معنا از کم-رنگ‌ترین تا پررنگ‌ترین شکل آن در نوسان است (اسماعیلی عصمت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). نشانه‌شناسی با الگوی تنشی^۲ - که متعلق به گستره نشانه‌شناسی پسا گریماسی^۳ است - نخستین بار در اثر مشترک ژاک فونتانی^۴ و کلود زیلبربرگ^۵ با عنوان تنش و دلالت معرفی شده است. این الگو با مرتبط کردن فضای تدریجی ظرفیت‌ها (پیوستگی‌ها)، و فضای قطبی نشانه‌ها (ناپیوستگی‌ها)، دو بُعد دلالت یعنی معقول و محسوس را به یکدیگر پیوند می‌دهد (سید حسن سعادات مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹). رابطه تنشی نوع حضور کسی در مطالعات نشانه‌ای

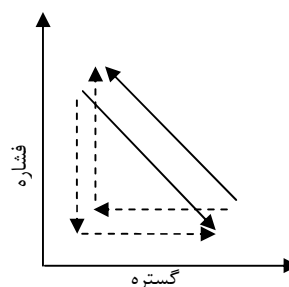
است که چنین رابطه‌ای بر دو محور «فشاره»^۱ (محور عاطفی) و «گستره»^۲ یا گونه‌های شناختی قرار دارد. بر اثر تعامل بین دو گونه عاطفی و شناختی فرایند تنش‌ی شکل می‌گیرد. برای نشان دادن رابطه نوسانی و سیال، می‌توان از محور Y و X کمک گرفت. محور عمودی همان محور فشاره‌ای یا کیفی است و محور افقی همان محور گستره یا کمی است. از تعامل بین این دو محور ارزش شکل می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸). عملکرد تنش‌ی زمانی رخ می‌دهد که درون گفتمان دو شیوه حضور کنشگران بر اساس هم‌تندی و هم‌آمیختگی دو نیروی کیفی - کمی یا عاطفی - شناختی شکل می‌گیرند (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۵).

بر اساس جهت تغییر گستره و فشاره، دو گونه هم‌پیوندی از یکدیگر متمایز می‌شوند: اگر روند گستره و فشاره هم‌جهت باشد، یعنی هر دو در جهت افزایش یا در جهت کاهش باشند، هم‌پیوندی مستقیم (همسو) شکل می‌گیرد و اگر روند دو بُعد در دو جهت مخالف باشد، یعنی گستره کاهشی و فشاره افزایشی باشد، یا برعکس، هم‌پیوندی معکوس (ناهمسو) شکل می‌گیرد. بدین ترتیب در فضای تنش‌ی، چهار گونه هم‌پیوندی فشاره - گستره متصور است. (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۵ به نقل از Fontanille, 2006: 40-39).



شکل ۲: فرایند هم‌پیوندی مستقیم

Figure2: Direct correlation



شکل ۱: فرایند هم‌پیوندی معکوس (ناهمسو)

Figure1: Inverse correlation

۱. الگوی تنش‌ی افزایشی^{۱۱} در این طرح‌واره، هم‌زمان افزایش فشار بر روی محور عاطفی و رشد فضای گستره‌ای ایجاد می‌شود. ۲. الگوی تنش‌ی کاهشی^{۱۲}: این طرح‌واره را می‌توان کاهش

هم‌زمان بُعد عاطفی و گستره شناختی دانست. همانطور که بر روی محور عمودی از عناصر کیفی کاسته می‌شود بر روی محور افقی نیز از عناصر کمی کاسته می‌شود. ۳. الگوی تنشی صعودی^{۱۳} در این حالت، فشارهای عاطفی بر روی محور عمودی افزایش پیدا می‌کند و در بالاترین درجه تنش به وقوع می‌پیوندد. از طرفی دیگر عناصر کمی بر روی محور افقی کاهش پیدا می‌کند که در نتیجه، این رابطه معرف افزایش فشاره و کاهش گستره است. ۴. الگوی تنشی نزولی^{۱۴} در این حالت، فشارهای عاطفی بر روی محور عمودی کاهش پیدا می‌کند و گستره‌های شناختی بر روی محور افقی در اوج قرار می‌گیرند که بیانگر افزایش گستره و کاهش فشاره است.

۴. عملیات گفتمان

۴-۱. موضع گیری

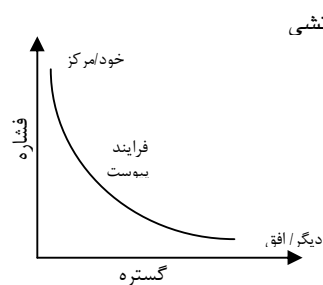
نخستین کنش در عملیات گفتمان، «موضع گیری»^{۱۵} است که به لحظه قبل از تولید گفتمان بر می‌گردد (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۰ به نقل از *Ibid*). موضع‌گیری گفتمانی با اتصال و انفصال گفتمانی کاملاً در ارتباط است. هنگامی که در گفتمان، موضع‌گیری بر پیوست و اتصال استوار باشد سخن‌بازنمودی از دنیای خود و خود را به اجرا می‌گذارد و در صورتی که موضع‌گیری بر انفصال و گسست متکی باشد بازنمودی از دنیای دیگر را نشان می‌دهد (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۴-۲. گسست- پیوست

دومین کنش در عملیات گفتمان، بیرون رفتن از مرکز ارجاع گفتمان از طریق کنش «گسست»^{۱۶} است. گسست بیرون رفتن از قلمرو گفته‌پردازی (من- اینجا- اکنون) و رفتن به سوی قلمرو جهان گفته است؛ یعنی به سمت جایی که سوژه گفته‌پردازی نیست، یعنی عبور از وضعیت اولیه به وضعیت جدید (یعنی او- آنجا- آن زمان). بیرون رفتن از موضع گفته‌پردازی یا بازگشت به آن در قالب کنش «پیوست»^{۱۷} است (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱).

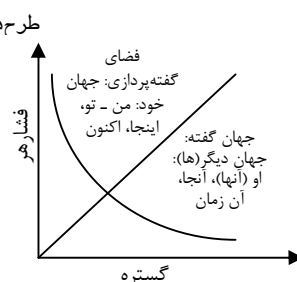
از دیدگاه تنش، در فرایند گسست، گفتمان خودش را از فضای گفته‌پردازی، از مرکز تراکم

انرژی‌ها جدا می‌کند. در نتیجه، گستره افزایش و فشار کاهش می‌یابد و فضاهای جدید کشف می‌شود و کنشگران دیگری نیز به صحنه می‌آیند. در فرایند پیوست، عملیات گفتمان در جهت بازگشت به موضع اصلی خود پیش می‌رود (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲ به نقل از Fontanille, 2006: 58).



شکل ۴: عملیات گفتمان در فضای گسست/پیوست

Figure 4: Discourse operation in disengagement- engagement space



شکل ۳: عملیات گفتمان در فضای گفته‌پردازی و جهان گفته‌ای

Figure 3: discourse operation and enunciation in discourse world

۵. ضرب‌آهنگ

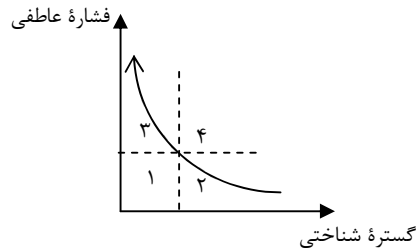
یکی از مباحث مهم در گفتمان عاطفی بحث ضرب‌آهنگ است. ضرب‌آهنگ تعیین‌کننده نوع حضور گونه‌های حسی- ادراکی است (شعیری، ۱۳۹۲: ۱۰۱). از تأثیرگذارترین ابزار در مخاطب ضرب- آهنگ است. ضرب‌آهنگ در جریان حسی- ادراکی و فضای تنشی میزان تأثیر بر مخاطب را ارزیابی می‌کند. آهنگ در گفتار، نقش نشانه‌های نگارشی را در نوشتار بازی می‌کند، با این تفاوت که میزان تأثیرگذاری‌های آن‌ها برابر نیست (زرکوب و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲). درواقع، آهنگ گفتار که خود تجلی‌بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتمان است، می‌تواند دارای نموده‌های متفاوتی باشد که بر جریان عاطفی گفتمان دلالت دارند و تعیین‌کننده سازه یک گونه عاطفی در گفتمان هستند (شعیری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). به عقیده فونتی افعال مؤثر برای تولید فضای عاطفی باید در تعامل با یکدیگر قرار گیرند و میزان‌پذیر باشند (Fontanille, 1998: 67). همچنین، برای تولید فضای عاطفی باید با یکدیگر مرتبط شوند ارتباط قطب مثبت و منفی هر یک از آن‌ها با هم، سبب بروز

اثرات عاطفی می‌شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۵). با توجه به زنجیره‌های مختلف و آهنگ گفتاری که بین آیات در این سوره وجود دارد برای این گفتمان می‌توان طرح واره‌های مختلف تنشی در نظر گرفت.

۶. فرایند گفتمانی و الگوی تنشی آیات «۹-۲۴» سوره طه

۶-۱. الگوی تنشی آیه "۹" سوره طه

اولین کلام الهی در سوره طه درباره داستان حضرت موسی^(ع) با بیان استتفهام مطرح می‌شود. خداوند با خطاب قرار دادن پیامبر به عنوان صاحب سخن وارد میدان شده است. در این آیه عبارت «هَلْ أَتَاكَ ...» با حالت استتفهام ذهن مخاطب (حتی پیامبر اکرم^(ص)) را به چالش کشانده و سطح هیجان و کنجکاوی در پیگیری داستان را افزایش داده است. گفته‌یاب در حالت ابهام به سر می‌برد و رغبت بیشتری برای شنیدن این داستان دارد. این آیه پیوست به فضای گفته‌پردازی (من- تو) را محقق می‌کند. بیان پرسشی «وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى» در متن آیات، فضای گفت‌وگوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب (تو) را به تصویر کشانده است. این فرایند گفتمانی با بیان پرسشی، بدون گسترش جهان گفته‌ای «حدیث» و با مجمل گذاشتن آن، به سرعت به جایگاه مرکز عملیات گفتمان جایگاه گفته‌پردازی خود بازگشته است. گفته‌پرداز بیش از سخن گفتن درباره موسی^(ع) و داستان او به قصد آشکار کردن حضور خود لب به سخن گشوده است. با توجه به کوتاه بودن فرایند گفتمان و پیوست به مرکز عملیات گفتمان، فشاره افزایش یافته و به دلیل منحصر ماندن گستره بر «حدیث» الگوی تنشی آن صعودی است. در این آیه به دلیل بازگشت از فضای گفته‌ای و پیوست به فضای گفته‌پردازی و سیر از وضعیت ابژه‌ای‌تر (او- آن‌ها) به سوی وضعیت سوژه‌ای‌تر (من- تو) فشاره عاطفی گفتمان افزایش می‌یابد بنابراین، فرایند تنشی گفتمان در این آیه سیر صعودی دارد.



سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پرداز

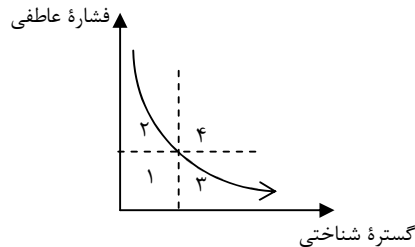
نمودار ۱: الگوی تنشی آیه ۹

Chart1: The tensive model of Surah 9

۶-۲. الگوی تنشی آیه ۱۰

در گفتمان این آیه تکرار ابژه‌ها و افق‌های شناختی و گسترش فضای جهان گفته‌ای نمایان است. به نسبت آیه قبل در آیه ۱۰، گفتمان به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و تکرار ابژه‌های (او-آن‌ها) و افق‌های شناختی پیش رفته است. در این آیه حضور گفته‌پرداز برای برجسته‌تر شدن حضور دیگران (او-آن‌ها) پوشیده‌تر مانده است. گفته‌پرداز «حدیث» را به ابژه‌های «ناراً»، «لأهلِهِ»، «مُكْتَبُوا»، «ناراً»، «بِقَبَسٍ»، «النَّارِ» و «هُدًی» پیوند داده و از این جهت داستان را بسط داده است. تکرار «نار» در این آیه مقدمات وحی و نبوت را برای موسی^(ع) فراهم می‌کند. همین که اراده خداوند برای نبوت موسی^(ع) تعلق گرفت تمامی وسایل به خدمت این هدف درآمدند؛ تاریکی شب، گم کردن راه، خانواده موسی^(ع) و همراهان او، دیدن آتش، همه مقدمه جذب موسی^(ع) و ارائه وحی و نبوت به او در میعادگاه الهی هستند. در داستان حضرت موسی^(ع) تجلی خداوند بر درخت، به صورت آتش است. تقدس آتش جدا از نقش مؤثرش در زندگی بشر، ریشه در خاصیت پاک‌کنندگی و منشأ نور بودن و گرما و خاصیت بالا روندگی آن دارد (نظری و محمدی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳). «گفتنی است که الوهیت همواره به صورت آتش ظاهر می‌شود؛ گاه به شکل بوته‌ای شعله‌ور و بیشه‌ای افروخته» (پیر بایار، ۱۳۸۷: ۲۹۰). برای موسی^(ع) آشکار شد که این آتش، تجلی الهی است. تکرار الفاظ در این آیه تأکید لفظی است تا معانی در اذهان رسوخ کند و باعث تقویت ایمان شود. این تکرار شک و تردید را از میان می‌برد و اقتناع و تأثیر و اقرار را به همراه دارد (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: ۶۶). در این آیه با وجود ابژه‌های انتشار یافته چون «نار»، «نور»، «آتش» و «هدایت» از فشاره موجود در آیه قبل کاسته

شده و بر گستره شناختی گفتمان آن افزوده شده است. در گفتمان این آیه شرح آغاز بعثت موسی^(ع) از چشم‌انداز گستره‌ای در گسست زمانی (إِذْ - هنگامی که ...) بیان می‌شود. موسی^(ع) به این سو و آن سو می‌نگریست و در فکر چاره بود که ناگهان از جانب کوه طور آتشی دید. ابژه‌های منتشره که در صورت‌بندی گفتمانی (او - آن‌ها) بیان شده سبب افزایش بُعد شناختی در گفتمان آیه شده است. در این آیه ابژه «ناراً» سه بار و یک بار هم با ضمیر تکرار شده که به گفتمان آیه ضرب‌آهنگ خاصی بخشیده که به افزایش بُعد شناختی گفتمان منجر شده است. در زبان عربی حروف کارکرد معنایی و قدرت تأثیر گذاری دارند. از آنجا که حرف «راء» از صفت تکریر برخوردار است (بیگری، ۱۳۷۰: ۱۶۷-۱۷۷). این تکرار بیانگر حرارت عشق و محبتی است که از قلب موسی^(ع) سرچشمه گرفته است و برای موسی^(ع) این آتش، تجلی مستمر و پویای عشق الهی است. حرف «راء» یک همخوان روان لثوی واکدار است که بر ثبات و ملکه و گستردگی یک صفت دلالت دارد و در تقسیم‌بندی آواها، آوای تکرار به‌شمار می‌رود (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). بدین صورت موسی^(ع) به سمت نار و معدن هدایت رهنمون می‌شود و آتش به چگونگی مبعوث شدن موسی^(ع) دلالت دارد. ارزش به‌دست آمده در این آیه تجلی نور هدایت بر قلب موسی^(ع) و آمادگی او برای یک انتخاب مهم است. با سیر گفتمان از فضای گفته‌پردازی (من - تو) به سمت فضای جهان گفته‌ای (او - آن‌ها) از فشاره گفتمان کاسته شده است و گفتمان آیه به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و افق‌های شناختی و تکرار ابژه‌ها پیش رفته است.



سیر گفتمان از گفته‌پردازی به جهان گفته‌ای

نمودار ۲: الگوی تنشی آیه ۱۰

Chart2: The tensive model of Surah 10

۳-۶. الگوی تنشی آیات ۱۱ تا ۱۳

آیات یازده تا سیزده سوره طه تا دوام پیوست به فضای گفته‌پردازی را نشان می‌دهد. فلماً اُتاهَا نُودِیَ یا مُوسى: هنگامی که موسی^(ع) به وادی مقدس طوی رسید صدایی او را می‌خواند «هنگامی که نزد آتش آمد ندا داده شد که «ای موسی!» خداوند فرموده: ندا دادم «ای موسی» بلکه فرموده: «ندا داده شد» تا شخصیتی انتزاعی از صدای خود ارائه دهد. این ندا هنوز مجهول است و کمیتش و کیفیتش مورد سؤال است (شاذلی: ۱۴۱۲: ۴ / ۲۳۳۱). در این آیه خداوند وارد فضای گفته‌پردازی و تعاملی با موسی^(ع) شده ولی حضور خود را به عنوان گفته‌پرداز آشکار نکرده است. این در حالی است که در فرایند گفتمانی «إِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ»، گفته‌پرداز (خداوند) با خطاب قرار دادن موسی^(ع) برای آشکار کردن حضور خود، لب به سخن گشوده است. عبارت «إِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ ...» به خوبی نشان می‌دهد که فرایند گفتمان به سوی برجسته کردن فضای تعاملی گفته‌پردازی است. اگر عبارت «إِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ» ذکر نمی‌شد حضور خداوند پوشیده می‌ماند و موسی^(ع) دچار شک و تردید می‌شد که این ندایی که می‌شنود از کیست؟ «إِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ» یعنی یقین داشته باش به آنکه من آفریدگار توأم. عبارت «انی انا ربک» دلالت بر این دارد که خداوند متعال متکلم است و به عنوان گفته‌پرداز وارد فضای گفته‌ای شده است. فضای گفتمان فضای دیالوگی و تعاملی بین خداوند و موسی^(ع) است. در این آیات خداوند موسی^(ع) را صریحاً با (کاف) خطاب مورد ندا قرار داده است. حرف (کاف) تأثیر موسیقایی در معنای آیه دارد؛ زیرا فضای آیه فضای گفته‌پردازی و تعاملی است و صفات زبانی این حرف با فضای آیه تناسب دارد. ابن جنی در کتاب *الخصائص* توضیح داده که حرف کاف جزو صداهای پرتنین - با پژواک شدید و قوی - است. از این رو، جزو حروف انفجاری محسوب می‌شود. حرف کاف تداعی‌کننده اصطکاک بین دو چیز است که در اثر آن، حالتی از قدرت، حرارت، جنب و جوش و پویایی القا می‌شود (ابن جنی، ۱۹۵۵: ۷۰). تمامی صفات مذکور با فضای تعاملی آیه همخوانی دارد. در این آیه وجود ضمیر متکلم وحدهٔ إِنِّیْ اَنَا و فعل امر فَاحْلَعْ و ضمیر مخاطب «کاف» و پیوست مکانی اینجا (بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی) و در آیه ۱۳ ضمیر «أنا» و دو فعل «اخترتک» و «فاستمع» فضای دیالوگی (من - تو) میان گفته‌پرداز و گفته‌یاب را به تصویر می‌کشد و سبب افزایش فشار عاطفی می‌شود. سه تأکید «إِنَّ» و تکرار متکلم «إِنِّیْ اَنَا» و جمله اسمیه «إِنِّیْ اَنَا رَبُّکَ» در این آیات نیز بر همین معنا دلالت دارد.

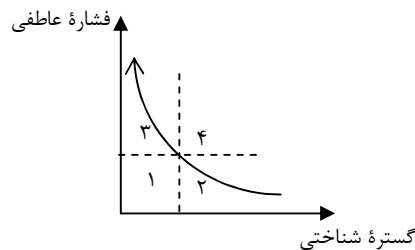
لفظ «رب» که از اسمای حسنای الهی است، بیش از ۹۷۰ مرتبه در قرآن آمده است و خداوند در اولین تجلی بر حضرت موسی^(ع) خودش را با این نام به او معرفی کرد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

وجود ضمیر انا و ضمیر مخاطب (کاف) و فعل امر در آیه «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» فضای گفته‌پردازی (من- تو) را تصویر سازی می‌کند. طولانی شدن فضای تعاملی گفته‌پرداز با گفته‌یاب بر یک فرایند و اتفاق بزرگ دلالت دارد که در این فرایند پیوستی، انرژی و فشاره افزایش پیدا کرده و سخن در انتهای گفتمان بر «لِمَا يُوحَى» منحصر مانده است. آنچه در این آیات مشهود است فضای (من- تو) گفته‌پردازی و به رخ کشیدن حضور مؤثر گفته‌پرداز و گفت‌وگوی او با گفته‌یاب است. آهنگ و موسیقی واژگان نیز بر معنای مستفاد از آیات تأثیر گذار بوده است. حرف «خاء» از حروف حلقی است که متضمن دو صفت فخامت و درشتی است و همچنین، تکرار حرف «دال» که از حروف انفجاری و قلقله است بر آهنگ قوی و موسیقی تند و هیجان‌انگیز آیات می‌افزاید و نشان از آن دارد که خداوند متعال موسی^(ع) را برای امری مهم اختیار کرده است. حرف «باء» که یک همخوان انسدادی دو لپی واکدار است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶) با صفت شدت و جهر در این آیه نوعی تأکید لفظی و نوعی واج آرایی به‌شمار می‌رود و باعث نفوذ معنا در دل مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر در او می‌شود.

تکلم خداوند با موسی^(ع) هدفمند بوده و تمهیدی برای دادن نبوت و رسالت به اوست. شاهد این معنا جمله «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» است که «فاء» تفریع، نتیجه آن اختیار قلمداد شده است. فرایند گفتمانی هنوز بر «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» متمرکز است و به جای پیوند آن با ابژه‌های دیگر (تفصیل و گسترش جهان گفته)، از موضع گفته‌پرداز (خداوند) و گفته‌یاب درباره آن سخن می‌گوید.

وجود ضمیر مخاطب دوم شخص در این آیات فضای دیالوگی (من - تو) میان گفته‌پرداز (خداوند) و موسی^(ع) را به تصویر می‌کشاند و به تبع آن، افزایش فشاره عاطفی گفتمان را به دنبال دارد. از دیدگاه تحلیل میدان عملیات گفتمان، بُعد گستره نیز به جای تفصیل و انتشار فضای جهان گفته‌ای وحی (رسالت و نبوت)، کل آیه در بیان کاملاً مجمل «لِمَا يُوحَى» فشرده شده است. این نشانه‌ای است که بُعد شناختی نیز به سوی انحصار و تمرکز (نه انتشار و تفصیل جهت یافته است. به بیان دیگر، فرایند گفتمانی از منطقه انتشار گستره (۳و۴) به سوی مناطق متمرکز

گستره‌ای (۲۰۱) حرکت کرده است. طولانی شدن سخن در مرکز عملیات گفتمان به معنی تداوم حضور در فضای تعاملی گفته‌پرداز و گفته‌یاب است. در فشرده‌ترین فرایند گفتمانی، فشاره اوج یافته و تأثیر هیجانی - عاطفی بسیار قوی ایجاد کرده و کنجکاو دربارۀ هدف از انتخاب موسی^(ع) را افزایش داده است. در فرایند پیوستی این آیات با تداوم حضور در مرکز عملیات گفتمان فشاره افزایش پیدا کرده، در حالی که گستره متمرکز و منحصر بر «لما یُوحی» باقی مانده است. ارزش به‌دست آمده در این آیات عبارت است از تکلم خدا با موسی^(ع) و انتخاب وی برای پیامبری. با این توضیحات الگوی تنشی گفتمان در آیات ۱۱-۱۲-۱۳ صعودی است.



سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

نمودار ۳: الگوی تنشی آیات ۱۱-۱۳

Chart3: The tensive model of Surah 11-13

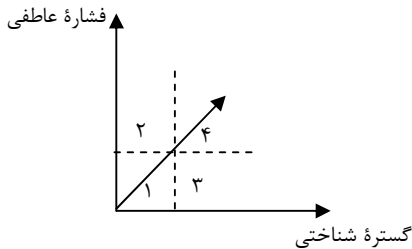
۴-۶. الگوی تنشی آیات ۱۴ تا ۱۶

واج «لام» یک همخوان روان واکدار است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷). از این رو، تکرار آن در آیه چهاردهم نوعی تأکید لفظی و تأثیر عمیق بر مخاطب دارد. در فرایند گفتمانی «إِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ» خداوند دوباره برای اثبات وجود خود به عنوان صاحب سخن وارد فضای گفته‌ای شده است. در اینجا نه به‌عنوان خدایی که موسی^(ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ بلکه به‌عنوان اثبات وجود خود (خداوند) به عنوان یک امر توحیدی در قالب شرح و تفصیل وحی. در عبارت قرآنی «اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا» آوای دلکشی از خاستگاه «لا» اوج می‌گیرد و با توالی حرف «لام»، تموج هجایی جذابی، طنین می‌افکند و در پایان با الله استقرار می‌یابد. توالی این نفی و اثبات‌ها تناوب امواج معنایی را در ذهن القا می‌کند (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: ۶۳). این آیات با ایجاد فشاره عاطفی از

یک سو و از سوی دیگر با ایجاد گستره شناختی ارزش‌های متعالی اعتقادی از جمله توحید و معاد را بیان کرده است. در این آیات هم با افزایش فشاره بر روی محور عاطفی و هم با رشد فضای گستره‌ای بر روی محور شناختی یا کمی مواجه هستیم. پس بر روی هر دو محور، حرکتی رو به رشد وجود دارد و هر چه بر میزان قدرت فشاره‌ها افزوده می‌شود به همان میزان قدرت گستره‌ها نیز افزایش می‌یابد. در این حالت بُعد شناختی و هیجانی پا به پای یکدیگر پیش می‌روند و رشد فشاره‌ها با رشد گستره‌ها همراه می‌شود (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۹۹). در این آیات دو گونه گسست و پیوست گفتمانی قابل انتظار است. برای گفته‌یاب واضح و آشکار است که تداوم پیوست در فضای گفته‌پردازی با گسست گفتمانی دنبال خواهد شد؛ اما خلاف انتظار، پیوست به مرکز عملیات گفتمان فضای گفته‌پردازی من - تو همراه با گسست گفته‌ای محقق شده است. در فرایند گفتمانی «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» هیجان بالا و احساس فشرده شدن برای «لما یوحی» به دنبال راهی برای آزادی و گشودگی است. عبارت «لما یوحی» که در آیه قبل با فشاره بالا مورد ابهام است و ذهن موسی^(ع) را به چالش کشانده و سطح هیجان درباره آن و پیگیری سخن را افزایش داده است به دنبال راهی برای تبیین و پاسخ‌گویی (نابستگی) است. آیات ۱۴-۱۶ پاسخ آن ابهام و رهایی به دنبال فشرده‌گی است. گفتمان در آیات ۱۴ تا ۱۶ این سوره، ابژه «لما یوحی» را که در آیات قبل فشاره‌اش افزایش پیدا کرده بود به پدیده‌های گسترده و منتشر «الله» (خداوند- توحید) "فَاعْبُدْنِي" (من را عبادت کنید)، «الصلوة» (نماز)، «الساعة» (قیامت)، (معاد) و سایر نشانه‌ها پیوند داده است. با گسترده‌تر شدن ابژه‌ها همراه با آهنگ موسیقایی، بار عاطفی نیز بالا رفته و این گونه گفته‌پرداز گستره شناختی را با فشاره عاطفی پیوند داده است تا رسالت موسی^(ع) را با پیام وحی به او ابلاغ کند. این گونه از یک سو «لما یوحی» تبیین شده و گستره‌اش افزوده و از سوی دیگر به دلیل ضمیر مخاطب «کاف» و فضای گفته‌پردازی (من- تو) موسی^(ع) را مورد خطاب قرار داده و بر فشاره آن افزوده است و هم‌زمان بُعد شناخت گفتمان بالا رفته و به این ترتیب گفتمان این آیات بر الگوی تنشی افزایشی مبتنی است. برای موسی^(ع) مورد ابهام است که این وحی چیست که در آیه قبل، خداوند او را امر به خطاب قرار داده است. از این طریق اصول توحیدی و معاد برای موسی^(ع) بازگو می‌شود و موجب شناخت و فهم موسی^(ع) از محتوای حکم نبوتی او می‌گردد. در این آیات هماهنگی گستره و فشاره همراه هم موجب اثبات حکم نبوت می‌شود.

در فرایند گفتمانی این آیات ابژه‌های منتشرشده به صورت هماهنگ بُعد سوژه‌ای عاطفی نیز یافته‌اند و به دلیل کنشی که بین خداوند و موسی^(ع) قرار دارد بُعد عاطفی هم‌زمان با بُعد شناختی روند افزایشی پیدا کرده است. در این آیات گستره شناختی افزایش پیدا کرده است و موجب افزایش شناخت اصول اعتقادی وحی شده است. گستره شناختی نیز با تبیین اصول اعتقادی، موسی^(ع) را به سوی ابژه‌هایی چون «اللَّهُ»، «الصَّلَاةُ» و «السَّاعَةُ» سوق داده و بُعد شناختی به سمت تفصیل جهت یافته است. موسی^(ع) با هیجان بالا حکم نبوتی را دریافت می‌کند. فضای موسیقایی این الفاظ بر هیجان و در نتیجه بر فشاره عاطفی آیات افزوده است.

تکرار حرف «سین» در کلمات السَّاعَةُ - نَفْسٍ - تَسْعَى با صفت صغیر و آشکاری بر وضوح و وقوع قیامت دلالت دارد. از این رو، موسیقایی این کلمات در افزایش فشاره عاطفی آیه تأثیرگذار است که با معنای مستفاد از آن تناسب دارد. حرف «صاد» به دلیل داشتن صفت استعلا برای فعل «فَلَا يَصُدُّكَ» به کار رفته است که شدت عمل بیشتری در آن دیده می‌شود. به عبارتی دیگر آواها و معانی با هم مرتبط و متناسب هستند. همانطور که در این آیات مشخص است هر چه بر وسعت گستره‌ها افزوده می‌شود فشاره‌های عاطفی نیز در اوج قرار می‌گیرند و بر انرژی تنشی و عاطفی آن‌ها افزوده می‌شود. هر چه ابژه‌ها گسترده‌تر شوند با ایجاد آهنگ موسیقایی بار عاطفی نیز بالا رفته و این گونه گفته‌پرداز، فشاره عاطفی را با گستره شناختی پیوند داده است تا نبوت موسی^(ع) را بازگو کند. رابطه تنشی در این گفتمان یک رابطه همسوست؛ در نتیجه اوج عنصر کیفی، عنصر کمی و شناختی نیز اوج می‌گیرد. بنابراین، الگوی تنشی و فرایند گفتمانی این آیات دارای ساختار افزایشی است. ارزش به دست آمده از این آیات عبارت است از نخستین جمله وحی (توحید، معاد، حتمی بودن قیامت، لزوم حفظ دین از شبهه افکنی و فشارهای کافران)، الگوی تنشی آیات ۱۴ تا ۱۵ به شکل نمودار ۴ است.



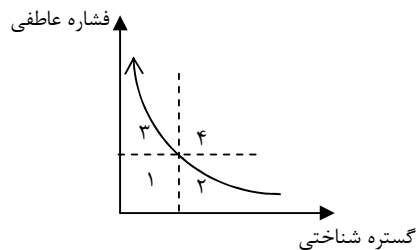
نمودار ۴: الگوی تنشی آیات ۱۴-۱۶

Chart4: The tensive model of Surah 14-16

۵-۶. الگوی تنشی آیات ۱۷ تا ۱۹

آنچه در این آیات مشهود است فضای (من- تو) گفته‌پردازی و حضور مؤثر خداوند (گفته‌پرداز) و گفت‌وگوی او با گفته‌یاب است. در این آیه گفته‌پرداز (خداوند) با استفهام ذهنیت موسی^(ع) را به چالش کشانده و سطح هیجان و کنجکاوی درباره آن را افزایش داده است. فضای گفتمانی این سه آیه به خوبی نشان می‌دهد که فرایند گفتمانی به سوی برجسته کردن فضای تعاملی گفته‌پردازی جهت یافته است. پیوست به فضای گفته‌پردازی در این آیات، بسیار طولانی است. صحنه گفت‌وگوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب (تو) و همچنین ابژه‌های منتشره جای خود را به سوژه‌های متمرکز (خداوند و موسی) داده است. فرایند گفتمانی این آیات بدون گسترش جهان گفته‌ای به سرعت به مرکز عملیات گفتمان یعنی فضای گفته‌پردازی بازمی‌گردد و گفته‌یاب (موسی) را به فضای گفت‌وگو با گفته‌پرداز برمی‌گرداند. با متوقف شدن تداوم پیوست به جهان گفته، پیوست به مرکز عملیات گفتمان ادامه پیدا می‌کند. تداوم پیوست در مرکز عملیات گفتمان فضای پرسش و پاسخ بین خداوند و موسی^(ع) یعنی فضای تعاملی و دیالوگی بین گفته‌پرداز و گفته‌یاب را نشان می‌دهد. همانطور که علامه نیز می‌فرماید: اگر موسی در پاسخ خدای تعالی پرگویی کرد و به ذکر اوصاف و خواص عصایش پرداخت، می‌گویند به این دلیل بود که مقام، اقتضای آن را داشت، چون مقام خلوت و راز دل گفتن با محبوب است، و با محبوب سخن گفتن لذیذ است؛ لذا نخست جواب داد که این عصای من است، سپس منافع عمومی آن را بر آن مترتب کرد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۴/۱۹۹).

بعد از گرفتن حکم پیامبری، رسالت موسی^(ع) آغاز می‌شود. موسی^(ع) برای اثبات نبوت خود نیاز به سند و معجزه دارد. در این آیات مدت زمان حضور در فضای پرسش و پاسخ بین موسی^(ع) و خداوند یعنی فضای گفته‌پردازی طولانی‌تر شده است. تداوم حضور در فضای تعاملی حداکثر فشاره و انرژی را نشان می‌دهد. فرایند گفت‌وگو همنوز بر «عصا» متمرکز است پرسش درباره یک چوب‌دستی از طرف گفته‌پرداز مجدداً موجب بالا رفتن هیجان و ابهام موسی^(ع) «گفته‌یاب» شده است. این فشاره باعث شده است موسی^(ع) با آمادگی بالاتری به ندای خداوند گوش فرا دهد. در این آیه «عصا» نقش اساسی را ایفا می‌کند؛ زیرا به امر الهی این چوب‌دستی ابزار معجزه شده است. پیوست به فضای گفته‌پردازی در آیات ۱۷-۱۹ بسیار طولانی است. گفت‌وگو این آیات، سیر از جایگاه دیگری به جایگاه خود، سیر از ابژه به سوژه و پیوست به مرکز عملیات گفت‌وگو، محل بیشترین فشاره و محدودترین گستره است. گفت‌وگو آیه با منحصر ماندن بر ابژه «عصا» و پیوند ندادن آن با ابژه‌های دیگر در جهت افزایش فشاره عمل کرده است. با این توضیحات الگوی تنشی این گفت‌وگو به سمت فضای دیالوگی (من-تو) جهت یافته است که باعث افزایش فشاره عاطفی می‌شود و الگوی تنشی صعودی را نشان می‌دهد.



سیر گفت‌وگو از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

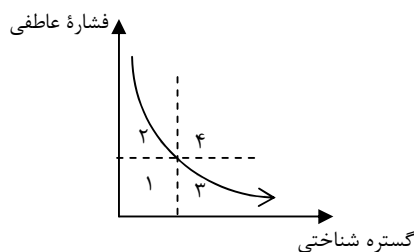
نمودار ۵: الگوی تنشی آیات ۱۷-۱۹

Chart5: The tensile model of Surah 17-19

۶-۶. الگوی تنشی آیه ۲۰؛ معجزه‌ای شگفت‌انگیز

با انداختن عصا بر زمین، ماری بزرگ پدید می‌آید که در حال حرکت است و به همین علت موسی^(ع) می‌هراسد. این گفت‌وگو، ابژه «عصا» را که در آیات قبل مورد تکلم خدا با موسی^(ع) بود

و مورد ابهام قرار گرفته بود به پدیده‌های منتشر و گسترده همچون: «فَإِذَا» که گستره زمانی است، «ها»، «موسی» و «حَیَّةٌ تَسْعَى» پیوند داده است. این گونه با آن عصای چوب‌دستی که مورد ابهام موسی^(ع) بود حقیقت برای وی نمایان می‌شود. عصا به مار بزرگی تبدیل و شناخت و فهم موسی^(ع) از عصا و معجزه را سبب می‌شود. موسی^(ع) سند نبوت خود را دریافت کرده و به حقیقتی که خداوند برایش آشکار کرده، پی برده است. گفتمان این آیه از فضای گفته‌پردازی آیه قبل سیر کرده و با وجود پدیده‌های گسترده و منتشره، فشاره موجود در این آیه کاسته شده و بر گستره شناختی گفتمان در آیه افزوده شده است. پس گفتمان آیه بر الگوی تنشی نزولی مبتنی است. آنچه در اینجا برجسته و مشهود است ابژه «حَیَّةٌ تَسْعَى» است. گفته‌پرداز با پایان دادن ناگهانی فضای دیالوگی و تعاملی، نسبت به آیه قبل حضور خود را کم‌رنگ و حضور او، یعنی موسی^(ع) را پررنگ می‌کند. گفته‌پرداز با نشان دادن و ارسال معجزه خود گفته‌یاب را متأثر و متحول می‌کند و حقیقت را به موسی^(ع) نشان می‌دهد. در این آیات، فرایند گفتمانی از فضای گفته‌پردازی آیه قبل به سمت فضای جهان گفته‌ای سیر کرده و این گونه از فشاره گفتمان کاسته شده و گفتمان آیات الگوی تنشی نزولی یافته است.



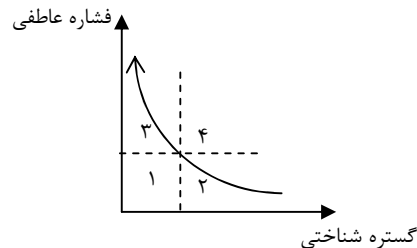
سیر گفتمان از گفته‌پردازی به جهان گفته‌ای

نمودار ۶: الگوی تنشی آیه ۲۰

Chart6: The tense model of Surah 20

۶-۷. الگوی تنشی آیه ۲۱

فرایند گفتمان بدون تفصیل جهان گفته‌ای به سرعت به مرکز عملیات گفتمان به جایگاه خود گفته‌پرداز باز می‌گردد و گفته‌یاب را به فضای تعاملی با گفته‌پرداز برمی‌گرداند و با پیوست به مرکز عملیات گفتمان تداوم پیوست جهان گفته با مکث و توقف مواجه می‌شود. در این آیه انتظار تداوم گسست جهان گفته‌ای و انتشار و تفصیل آن برای گفته‌یاب وجود دارد؛ اما خلاف انتظار، گسست از فضای گفته‌پردازی بسیار سریع و کوتاه است. آیه ۲۱ دوباره گفته‌یاب را به فضای تعاملی با گفته‌پرداز برمی‌گرداند. با پیوست به مرکز عملیات گفتمان در آیه ۲۱، پیشرفت جهان گفته متوقف می‌شود و چنین انتظاری برای گفته‌یاب محقق نمی‌شود؛ زیرا گسست در فضای جهان گفته‌ای بسیار سریع و کوتاه اتفاق افتاده و در آیه ۲۱ دوباره گفتمان به مرکز عملیات گفتمان یعنی فضای گفته‌پردازی من - تو باز می‌گردد. به این ترتیب، در فرایند کلی گفتمان آیه ۲۰ چون یک حادثه غیرمنتظره رخ داده است، گفته‌یاب به دنبال پیشروی و تداوم فضای جهان گفته‌ای است؛ اما خلاف انتظار، گفته‌پرداز مجدداً به فضای تعاملی (من - تو) بر می‌گردد تا دوباره حضور خود را آشکار کند. در این آیات مهم‌ترین اثر پیوست به فضای تعاملی افزایش سطح فشاره و انرژی است. الفاظ «خُذْهَا وَ لَا تَخَفْ» از یک واحد معنایی هستند و مورد بودن موسی^(ع) بین دو عمل را نشان می‌دهند. موسی^(ع) در مقابل معجزه بزرگ (خارق‌العاده) الهی قرار گرفته است؛ ولی پذیرش این حقیقت (تبدیل عصا به مار) برای او باور کردنی نیست (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۱۹۹). از این رو خداوند موسی^(ع) را در فضای گفته‌پردازی مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «خُذْهَا وَ لَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى» تکرار صدای «س» در انتهای آیه با موسیقی لطیف و طنین‌اندازش لطافت و آرامش خاصی را به ارمغان می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود به دلیل بازگشت از فضای گفته‌پردازی آیه ۲۰ و سیر از «او» به سوی وضعیت سوژه‌ای‌تر (من - تو) فشاره عاطفی گفتمان افزایش یافته و فرایند تنشی آیه سیر صعودی پیدا کرده است.



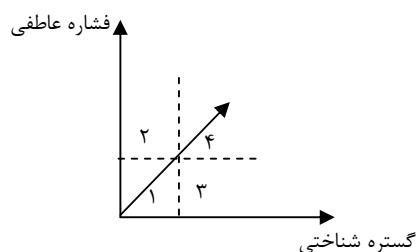
نمودار ۷: الگوی تنشی آیه ۲۱

Chart7: The tensive model of Surah 21

۶-۸. الگوی تنشی آیات ۲۲ تا ۲۴ ید بیضا

درفرایند گفتمانی این آیات گفته‌یاب (خداوند) به‌عنوان صاحب سخن وارد فضای گفته‌ای شده و با ایجاد فشاره عاطفی از یک سو و تفصیل گستره شناختی از سوی دیگر معجزه «ید بیضا» و «رسالت» موسی^(ع) را بیان کرده است. فضای موسیقایی این الفاظ نیز بر هیجانات موسی^(ع) تأثیرگذار بوده است. فرایند گفتمانی این آیه تداوم پیوست به فضای گفته‌پردازِ آیات قبل را بیان می‌کند. با این برگشت سریع و برق‌آسا بین گفته‌پرداز و گفته‌یاب - که در آیات قبل اتفاق افتاد - خداوند دوباره موسی^(ع) را برای دریافت معجزه‌ای دیگر آماده می‌کند. هم‌زمان در این آیات علاوه بر فضای تعاملی (من-تو-ضمیر مخاطب) که موجب افزایش فشاره عاطفی می‌شود از طرفی دیگر نیز گستره‌های شناختی مورد تفصیل قرار می‌گیرد و الگوی تنشی افزایشی را نشان می‌دهد. گفته‌پرداز در این آیات ابژه «یَدَکَ» را با ابژه‌هایی چون «جَنَاحَکَ»، «تَخْرُجُ بَيِّضًا»، «آیَةُ أُخْرَى» و نشانه‌های دیگر پیوند داده است تا معجزه‌ای دیگر را برای او بازگو کند و نشانه‌ای باشد برای سند رسالت او و هدف از رسالت برای موسی^(ع) تبیین شود. هرچه ابژه‌ها گسترده‌تر شده است با آهنگ موسیقایی الفاظ بار عاطفی نیز بیشتر شده و این گونه گفته‌پرداز هم‌زمان گستره شناختی را با فشاره عاطفی پیوند داده است. همچنین، در آیه ۲۴ وجود ابژه‌هایی چون «آيَاتِنَا الْكُبْرَى»، «أَذْهَبَ»، «فِرْعَوْنَ» و «طَغَى» برجسته و مشهود است. به این صورت گفته‌پرداز هدف خود را از انتخاب موسی^(ع) و رسالت او بیان کرده است. همان گونه که در فرایند گفتمانی این آیات مشخص است هر چه بر گستره‌ها افزوده می‌شود فشاره‌های عاطفی نیز در اوج قرار می‌گیرد و هم‌زمان الگوی تنشی افزایشی را نشان می‌دهد.

در فرایند گفتمانی این آیات از یک طرف به دلیل فضای گفته‌پردازی (من-تو) بُعد عاطفی همزمان با بُعد شناختی سیر افزایشی پیدا کرده و از طرف دیگر همزمان بُعد گستره نیز با بیان تفصیلی ابژه‌های منتشره افزایش یافته است. در صورت‌بندی گفتمانی این آیات که ابژه‌های منتشره هم-زمان بُعد عاطفی نیز یافته‌اند، از الگوی تنش‌ی افزایشی پیروی می‌کنند. ارزش به‌دست آمده در این آیات عبارت است از معجزه موسی^(ع) و هدف رسالتی او که مبارزه با فرعون است. بنابراین، گفتمان آیات الگوی تنش‌ی افزایشی را نشان می‌دهد.



نمودار ۸: الگوی تنش‌ی آیات ۲۲-۲۴

Chart8: The tense model of Surah 22-23-24

۷. نتیجه

فضای تنش‌ی حاکم بر گفتمان آیات سورۀ طه با نظام‌های تنش‌ی مختلف، فرایند سیال معنا را در تعامل دو بُعد شناختی و عاطفی شکل می‌دهد. گفتمان غالب بر این داستان نشان می‌دهد که خداوند به‌عنوان کنشگر اصلی با حضرت موسی^(ع) از طریق رابطه‌ای حسی-ادراکی از سبک حضور تنش‌ی در گسست و پیوست در ارتباط است. برای تولید گفته راهی جز گسست از فضای گفته‌پردازی من-تو وجود ندارد. در این گفتمان داستانی، تولید معنا با استفاده از الگوی تنش‌ی، گذر از انفصال و اتصال و ایجاد گسست و پیوست و تغییر زاویه دید شکل گرفته است. بنابراین، گسست گفته‌ای باعث گستردگی و تکرار کلام در این گفتمان داستانی شده و سبب ایجاد زمان‌ها و مکان‌ها و عوامل جدید در گفتمان شده است. این تغییر تکواژه‌های دستوری در گفته‌پردازی سبب پیوست و گسست گفتمانی در گفتمان داستانی بعثت موسی^(ع) و نیز سبب تولید و دریافت معنا شده است. مزیت عملیات گسست گفتمانی گریز از حصارها و محدودیت-

های سخن و ایجاد جریانی فرازمانی و فرامکانی و فراعاملی است که باعث شکل‌گیری تعامل به بهترین صورت و خلق معانی جدید می‌شود. به واسطه این امتیاز زبان قرآن به ناممکن‌ترین معانی در مکان‌ها و زمان‌ها دست می‌یابد. حضرت موسی^(ع) به عنوان گفته‌یاب در مرتبه‌ای با شکوه به مقام دیدار با خدا نائل و در فرایندی استعلایی برای پیامبری و دریافت مقدمات وحی انتخاب می‌شود. این فرایند استعلایی نتیجه چالش‌هایی است که تحت کنترل ساختار تنشی است. در این فضای تنشی ارزش‌های اعتقادی، توحیدی و معجزاتی از طرف کنشگر اصلی برای موسی^(ع) باوری درونی و پایدار ایجاد می‌کند و او به رسالت اصلی خود که نبوت است یقین پیدا می‌کند. با بررسی ساختار تنشی این داستان مشخص شد که این گفتمان از سه الگوی تنشی صعودی، نزولی و افزایشی پیروی می‌کند. الگوی حاکم بر این داستان الگوی افزایشی است که در جریان گسست با گستره زیاد در شرایط تنشی عاطفی بالا شکل می‌گیرد که سبب گسترش و بسط معنا و درونی شدن ارزش‌ها برای حضرت موسی^(ع) می‌شود.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Tensive dimension – tensif process
2. tensive model
3. Post-Greimassian
4. Jacques Fontanille
5. Claude Zilberberg
6. intensité
7. extensité
8. direct correlation
9. inverse correlation
10. tensive scheme of discourse process
11. amplification
12. atténuation
13. ascendance
14. décadence
15. Position taking (la prise de position)
16. Disjunction(débrayage)
17. Conjunction(embrayage)

۹. منابع

- قرآن کریم.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۹۵۵): *الخصائص*. تحقیق محمد علی النجار. بیروت: دارالکتب العربی.
- اسماعیلی عصمت و همکاران (۱۳۹۱). «نشانه معنا شناختی فرایند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوی مثنوی». *ادبیات و زبان ها: پژوهش های ادب عرفانی*. ش ۲۳. صص ۶۹-۹۴.
- اطهاری نیک عزم، مرضیه و سهراب احمدی (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه شناختی شیوه های گفته پردازی در یسن های نهم و دهم اوستا». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۵ (پیاپی ۴۰). صص ۱۵۹-۱۷۹.
- اکبرزاده فاطمه، و مرضیه محمصص (۱۳۹۶). «نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی (ع)». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۵ (پیاپی ۴۰). صص ۲۹۳-۳۱۸.
- بیگری، حسن (۱۳۷۰). *سرال بیان فی علم القرآن*. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- پاکتچی احمد و همکاران (۱۳۹۴). «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سورة «قارعه»، با تکیه بر نشانه شناسی تنشی». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۳۹-۶۸.
- پیر بایار، ژان (۱۳۸۷). *رمزپردازی آتش*. ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- داودی مقم، فریده و همکاران (۱۳۹۶). «نقش یادگفتمان ها در تحلیل گفتمانی سورة کف».
- *پژوهش های زبان شناختی قرآن*، ش ۱ (پیاپی ۱۱). صص ۱-۱۶.
- زارع، آفرین و همکاران (۱۳۹۱). «تحلیل آوایی در صحیفه سجاده با تأکید بر دعای استعاذه». *پژوهش های قرآن و حدیث*. س ۴۵. ش ۱. صص ۷۱-۹۱.
- زرکوب، منصوره و همکاران (۱۳۹۲). «کارکرد واحدهای زنجیری و زیرزنجیری در زبان عربی». *زبان پژوهی*. س ۴. ش ۸. صص ۶۷-۹۵.
- سیدی، حسین و زهرا عبدی (۱۳۸۴). «تحلیل موسیقایی آیات قرآن، جزء ۳۰». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۴۷ و ۴۸. صص ۵۹-۷۴.
- شانزلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲ق). *فی الظلال القرآن*. بیروت و قاهره: دارالشروق.
- شعیری، حمید رضا (۱۳۷۹). «فرا ارزش و رابطه آن با تنش و معنا در «ندای آغاز» سهراب

- سپهری». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی. ش ۹۱. صص ۴۴۹ - ۴۶۰.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۴). «مطالعه فرایند تنشی گفتمان ادبی». پژوهش‌های زبان‌های خارجی. ش ۲۵. صص ۱۸۷-۲۰۴.
 - _____ (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معنا شناختی». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی. ش ۲۱۹. صص ۱۰۶ - ۱۱۹.
 - _____ (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی». نقد ادبی. ش ۸. صص ۳۳ - ۵۲.
 - _____ (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان. چ ۳. تهران: سمت.
 - _____ (۱۳۹۵). نشانه معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی. چ ۱. تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
 - _____ و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۴). «از برهم کنشی تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا». جستارهای زبانی. ش ۲۳. صص ۱۷۳ - ۱۹۶.
 - عباسی، علی و علی کریم فیروزجانی (۱۳۹۱). «کارکرد روایی فراروای در داستان حضرت آدم»، مطالعات قرآن و حدیث. ش ۱ (پیاپی ۱۱). صص ۱۵۹ - ۱۸۰.
 - عباسی، علی و هانیه یارمند (۱۳۹۰). «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه- معنا شناختی ماهی سیاه کوچولو». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی). د ۲. ش ۳. صص ۱۴۷-۱۷۲.
 - قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 - مصطفوی، آیت‌الله سید حسن سعادات و همکاران (۱۳۹۲). «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن. ش ۲. صص ۲۴ - ۴۲.
 - موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 - نظری نجمه و الناز محمدی (۱۳۸۹). «بررسی کهن‌الگوها در ماجرای زندگی حضرت موسی (ع) با نگاهی به روایت». ادبیات و زبان‌ها: عرفانیات در ادب فارسی. ش ۵. صص ۲۴-۴۰.

References:

- *The Holy Quran*.
- Abbasi, A. & A. K. Firuz Jani, (2012). "The function of narrator's narratives in the story of Adam". *Bi-Quarterly Journal of Quran and Hadith Studies*. No. 1 (succession 11). Pp. 159-180. [In Persian].
- Abbasi, A. & H.Yarmamand ,(2011). "The passage from the semiotic square to tension square: a Semiotic analysis of Little Black Fish". *Journal of Language and Comparative Literature (Language Related Research)*. Vol. 2. No. 3. Pp. 147-172. [In Persian].
- Akbarzadeh F. & M. Mohassess, (2017), "Semiotic Analysis of the Prophetic Discourse of Moses (AS)". *Language Related Research*. Vol. 8, No. 5 (Succession 40). [In Persian].
- Athari Nik Azem, M. & S. Ahmadi, (2017). "A semiotic analysis of the methods of narration in the nineteenth and tenths of the Avesta". *Language Related Research*. Vol. 8, No. 5 (Succession 40). Pp. 159-179. [In Persian].
- Ayatollah Sayyed Hassan Mostafavi well-being; H. R. Shairi & H. Rahnama, (2013). "From the dignity of ignorance to the Qur'anic magnificence". *Bi-Quarterly Journal of Research on Quranic Interpretation and Language*. No. 2.Pp. 24-42. [In Persian].
- Bayard, J. P. (2008). *Le feu, la symbolique* J. Sattari (Trans.). Tehran: Markaz Publication. [In Persian].
- Biglari, H. (1991). The secret of knowledge in the science of the Quran [Sirr al-Bayan Fei Alam Al-Quran]. Tehran: Sanayi Library Publications. [In Persian].
- Davoudi Magham, F.; H. R. Shairi & So.Ghotbi, (2017). "The role of the antitrust in the discourse analysis of Surah Kahf". *Journal of Qur'anic Linguistic Research*. No. 1 (Succession 11) Pp. 1-16. [In Persian].
- Esmacili, E.; H. R. Shairi & E. Kan'ani, (2012). " Passage from semiotic square to tensive semiotic square in the Mathnavi's Theology". *Journal of Literature and Languages: The Study of Mystic Literature*. 23. Pp. 69-94. [In Persian].

- Fontanille, J. & C. Zilberg, (1998), *Tension et signification*. Liège: P. Mardaga.
- Fontanille, Jacques, (2006), "*Semiotics of Discourse*" (Trans. Heidi Bostic). New York: Peter Lang.
- Ghera'ati, M. (2004). *Noor interpretation*. Tehran: Cultural Center Lessons from the Qur'an. [In Persian].
- Ibn Jenni, Abu Al-Fath Othman, (1955). *Propoeties*. Mohamed Ali El-Naggar (Ed.). Beirut: Dar al-Kitab. [In Arabic].
- Mousavi Hamedani, M. B. (1995). *Interpretation of Al-Mizan*. Qom: The Islamic Publishing House of the Society of Teachers of the Qom Seminary. [In Persian].
- Nazari, N. & E. Mohammadi (2010). "The archetype in the story of the life of Prophet M. (AS). "With emphasis on narration". *Literature and Languages: Mysticism in Persian literature*. No. 5. Pp. 24-40. [In Persian].
- Pakatchi, A.; H. R. Shairi & H. Rahnama, (2015), "Analysis of Discourse Processes in Qariah Surah, based on tensive semiotics". *Language Related Research*. Vol. 6, No. 4 (Succession 25). Pp. 39-68. [In Persian].
- Seyyedi, H. & Z. Abdi, (2005). "Musical Analysis of Quranic Verses, Part 30". *Human Sciences Research*. Nos. 47 & 48; pp. 59-74. [In Persian].
- Shairi, H. R. & E. Kanaani (2015). "From interaction to transcendence based on the discourse of the Romans and Chinese". *Language Related Issues*. No. 23. Pp.173-196. [In Persian].
- ----- (2000). "Valence and its relationship with tension and meaning in the Call of Beginning" by Sohrab Sepehri". *Proceedings of Allameh Tabataba'i University*. No. 91. Pp. 449-460. [In Persian].
- ----- (2005). "The study of the tensive model of literary discourse". *Foreign Languages Research*. No. 25. Pp. 187-204. [In Persian].
- ----- (2007). "Examining the varieties of discourse : a semiotic approach ". *Proceedings of Allameh Tabataba'i University*. No. 219. Pp. 106-119. [In Persian].
- ----- (2009). "From structural semiology to discourse semiotics ". *Journal of*

Literature and Languages, Literary critique. No. 8, Pp. 33-52. [In Persian].

- ----- (2013). *Semiotic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- ----- (2016). *Semiotic Analysis of Literature: The Theory and Practice of Literary Discourse*. Tehran: Scientific Publishing Center of Tarbiat Modarres University. [In Persian].
- Shazli, Said ibn Qutb ibn Ibrahim, (1992/1412). *In the Shadows of the Quran*. Beirut and Cairo: Dar al- Sharouq. [In Arabic].
- Sojoodi, F. (2011). *Applied Semiotics*. 2nd Edition. Tehran: Ramin Publication. [In Persian].
- Zareh, A.; M. Bayat & L. Diyant, (2012). "Phonetic analysis in Sahifat al-Sajjadiya with emphasis on the Prayer". *Journal of Quran and Hadith Studies*. Vol. 45, No. 1; Pp. 71- 91. [In Persian].
- Zarkoub, M.; M. Khaqani & M. Javidi, (2013), "The Function of chain and chain units in arabic". *Bi-Monthly Journal of Research on Linguistics at Alzahra University*. Vol. 4, No. 8. [In Persian].